

رهائی

برای انعکاس اخبار مبارزات توده‌ها



سال دوم ، شماره ۸۳
یکشنبه ۷ تیر ماه ۱۳۶۰
به شماره ۱۰ ریال

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

با کفایت‌ها در صحنه میمانند

در مجموعه‌ی لغات و اصطلاحات و الفاظی که جماعت معمم از ابتدای جهیدن بر آرایه‌ی قدرت به کار گرفته ، کفایت (یا عدم کفایت) سیاسی هم اضافه شد . به این ترتیب ، دیگر از حقیقت ، تقوا ، فضیلت ، شرف ، شهادت ، برهیز-کاری ، عدالت و بسیاری چیزهای دیگر گرفته تا برسد به کفایت سیاسی ، همگی در انحصار حزب حاکم است . تاریخچه‌ی کوتاه و بر افتخار حزب جمهوری اسلامی سراسر تبریز از کفایت و لیاقت است . اگر اعضای باند سران حزب تا امروز از روی تواضع بر کفایت سیاسی خود تکیه نکرده‌اند ، دلیل بی کفایتی شان نیست . هر ورقه‌ی تاریخ حکومت حزب جمهوری اسلامی دفتیری است در باب لیاقت و کفایت .

از کفایت رقبای فعلا مطلوب منجمه فرماندهی کل قوای سابق که در اوایل جنگ مدعی بود طرف با نسرده روز عراقیها را از خاک ایران بیرون خواهد کرد ولی در مدت ناہی که که فرماندهی کل قشون اسلام بود ، عراقیها همچنان در خاک ایران بودند و هستند که بگذریم ، در اینجا به یکی از درختان نرین بارقه‌های کفایت و لیاقت

بقیه در صفحه ۶

تهاجم رژیم و وظایف ما

طی چند روز گذشته رژیم مرتجع جمهوری اسلامی به پیروی از اسلاف فاشیت خود ، به یورش تازه و حساب شده‌ای علیه نیروهای انقلابی و مترقی دست زده است . یورش همه جانبه‌ی اخیر بدنبال کنار رفتن جناح بستی صدر از حاکمیت و با هدف نشیبت رژیم که هم اکنون توسط جمهوری اسلامی و شرکاء مکتبی دنبال میشود ، صورت میگیرد . رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی پس از گذشت قریب به دو سال و نیم از عمر بنکینش ، هم اکنون در باتلاقی از بحرانهای عمیق اقتصادی - سیاسی - اجتماعی دست و پا میزند و از اینرو هیچ چاره دیگری جز توسل به سیاست سرکوب‌خشن و غریبان، نهادهای ساختن اختناق و لگدمال کردن تمام و کمال دستاوردهای قیام بهمن ماه ، برای ابقاء موجودیت منحوس در دسترس ندارد . سرکوب و کشتار آخرین حربه‌ی رژیم جمهوری اسلامی و در واقع آخرین حربه‌ی همه‌ی رژیمهای مرتجع تاریخ میباید . تگاهی به دوران سلطنت رژیم فاشیستی شاه نشان میدهد که سرکوب و خشونت آشکار ، آخرین و تنها دستاورد ویز شاه برای حفظ حکومت دیکتاتوری و آخرین تلاش بمنظور جلوگیری از سقوط محتوم بود . رژیم جمهوری اسلامی نیز در حال حاضر چاره‌ای جز شدیدترین تسووع سرکوب نمی بیند زیرا که بطور بیسابقه‌ای در میان وسیعترین توده‌ها منزوی و افساء بنده است . رژیم جمهوری اسلامی هم اکنون پس از گذشت قریب به ۳۰ ماه حاکمیت ، ۳۰ ماه عوامفریبی و دروغپردازی ، ۳۰ ماه فساد ، دزدی و جپاول ، ۳۰ ماه وعده و وعید و حرفهای تو خالی ، ۳۰ ماه حبس و شکنجه و اعدام ... حقانیت خود را از دیدگاه توده‌های میلیونی از دست داده است و هیچ راه دیگری جز حکومت بزور سر نیزه در مقابل آن وجود ندارد . فقط در هفته‌ی گذشته دهها تن که بسیاری از آنان انقلابیون ساخته شده و از زندانیان سیاسی هر دو رژیم (آریا میزی و اسلامی) به حساب میآیند ، به جوخی اعدام سپرده شده‌اند . این اعدامها بدون محاکمه و بدون رعایت ابتدایی ترین ضوابط حقوق انسانی و بطور خلق الساعه صورت گرفت . چرا که رژیم ددمنش به گمان عبث بر آن بود که از مبارزین زهرچشم بگیرد . و جواب موج نظاهرات و حرکتیهای اعتراضی توده‌ها را با اعدام زندانیان سیاسی که بنا به قوانین فوق ارتجاعی خودش نیز زندانی سیاسی به حساب میآید ، پاسخ گوید .

بقیه در صفحه ۲

در این شماره:

* اسناد مربوط به بنیاد مستضعفان (۵)

* با زگشت "شیطان بزرگ"

* "بنیاد مستضعفان" در غم خارجیان "مستضعف"

* اخبار

تهاجم...

سراسری که ارتجاعیون جمهوری اسلامی بسیار بیست از مرتجعین آریا مبری پیش رفته اند. اعدام زندانیان سیاسی البته امر بی سابقه است و نشان از ددمنشی قرون وسطایی و کینهی رژیم نسبت به انقلابیون و کمونیستها دارد. رژیم ضدخلقی نه تنها از اعدام جوانان از جمله نوجوانان ۱۶ و ۱۷ ساله فروگذار نکرد بلکه حاکم شرع مرتجع دادگاههای به اصطلاح انقلاب بنا به سببی کم نظیری اظهار داشت که رژیم اسلامی حتی از اعدام دختران ۹ ساله نیز ایایی نخواهد داشت زیرا که مطابق قوانین اسلام میتواند اعدام شود.

در جریان زدوخوردهای هفتگی گذشته که در همه ی شهرهای بزرگ و حتی برخی از شهرهای کوچک ایران صورت گرفت، رقم دستگیرشدگان از چندین هزار تن فراتر رفت. تنها در نظهرات وسیع و خونین روز شنبه در تهران بقول خود رژیم بیش از ۴۰۰ تن دستگیر و روانه ی زندانهای قرون وسطایی جمهوری اسلامی شدند. موج دستگیری و اختناق بهمراه سرکوب خون و عریان همب اکنون نیز بشدت ادامه دارد و رژیم مرتجع بر آن است که به هر قیمت که لازم آید نیروهای انقلابی را سرکوب و مبارزات توده ای را به شکست کشاند.

حال در مقابل یورش سبانه ی رژیم چکار باید کرد؟ اثر بیدیریم که برناهی رژیم، سرکوب همه جانبه به منظور تثبیت حاکمیت خویش است و این امر در درجه ی اول از طریق نابودی نیروها و سازمانهای انقلابی صورت میگیرد، آیا میتوان با فعالیتهای پراکنده ی گذشته در مقابل حرکت تفرمی رژیم ایستادگی نمود. پاسخ قطعا منفی است. شرایط امروز، برنامه و سیاست نه تنها برای از جانب جریانهای انقلابی طلب میکند. امروز به تنها باید در محله حضور داشت بلکه باید یکپارچه و متحد در محله حضور پیدا کرد. تشکیل مفوق متحد چپ امروز فقط یک ضرورت نیست بلکه فقدان آن فاجعه خواهد آفرید. اگر کمونیستها نتوانند حول یک پلتانفرم سیاسی اتحاد عمل متحد شوند و با سایر نیروهای انقلابی در مقابل یورش ارتجاعی حاکمیت مقابل بده و مقاومت کنند، اگر توده های مردم بدون سازمان و حداقل شکل بحال خود رها شده و برای مقابله با ارتجاع سبج انقلابی شوند، مبارزات پراکنده ی آنان نیززودتی به رکود خواهد گرائید و تفریب روحیه ی سرخوردگی و یاس بر جنبش توده ها مسلط خواهد شد. توده ها هر روز و هر ساعت بدون اینکه به نتایج ملموسی از مبارزات خود دست یابند، بمیدان نخواهند آمد. توده ها بدون آگاهی و شکل قادر نخواهند بود که به مبارزه ی دراز مدت روی آورند و آنگاه با خارج شدن توده ها از محله، زمینهای استوای نیروهای انقلابی و شکست جنبش آماده خواهد شد. پس باید هر چه زودتر دست به یگان شویم. باید طوفان چپ را متحد نموده و برای بسیج سیاسی و دراز مدت توده ها برنامه داشته باشیم. برای خنثی کردن تهاجم رژیم با سایر نیروهای انقلابی غیرکمونیست در موارد منخعی همکاری داشته باشیم. راز موفقیت در همین است.

و اما سختی چند در مورد تاکتیهای مبارزه انبیا و تظاهرات اعتراضی و انشای سیاستها و اقدامات رژیم، حضور در محله و تشدید جو سیاسی موجود بخودی خود هر چند مفید و لازم است لیکن در شرایط حاضر بهیچوجه کافی نمیباشند. استراتژی مرحله ای رژیم، حمله و سرکوب و بدنبال آن حاکم ساختن جو اختناق مطلق است. رژیم چنانکه گفته شد برای مسلط کردن روحیه ی ترس و وحشت و ارباب مبارزین و توده ها به اعدای دست جمعی زندانیان سیاسی روی آورده است و قدرت سرکوب خود را

به نمایش میکشاند. در چنین شرایطی تعرضی متقا بیان از جانب نیروهای انقلابی بهترین دفاع است. به کمان ما در وضعیت امروز با اتخاذ تاکتیک تعرضی انقلابی (در کنار سایر اشکال مبارزات توده ای) میتوان رژیم را در تنگناهای جدیدی قرار داده و به عقب راند.

این سیاست چنانچه از جانب همه ی نیروهای انقلابی بصائبه ی تاکتیک مبارزه در شرایط حاضر اتخاذ شود، در خنثی کردن یورش سبانه ی رژیم و عقب نشاندن آن بسیار موثر خواهد بود. باید متذکر شد که اتخاذ سیاست تعرضی انقلابی در حال حاضر بمنظور بسیج توده ها و یا دعوت آنان به جنگ مسلحانه علیه رژیم مسورت نمیکرد. تعرض انقلابی تاکتیک دفع حملات رژیم است و نه تاکتیک سرنگونی آن. انقلابیون کمونیست فقط از طریق کار متحد بین توده های رنجگس و جلب حمایت آنان خواهند توانست با رژیمهای سرمایه داری و از جمله رژیم جمهوری اسلامی به مصاف تنهایی برخیزند و در این حال جنگ مسلحانه نیز تنها با شرکت وسیعترین توده ها به

ساقط شدن حاکمیت و استقرار حکومت رنمکنشان خواهد انجامید. پس در شرایط حاضر تعرض انقلابی بمنابسه یکی از مهمترین تاکتیهای موثر برای بی اثر ساختن تهاجم سرکوبگرانه ی رژیم و عقب ردن آن باید مسورد توجه همه ی انقلابیون و بالاحسن کمونیستها قرار گیرد. در کنار استفاده از تاکتیک تعرضی باید به سازماندهی مقاومت توده ای در مبارزات خیابانی و تظاهرات و غیره نیز توجه داشت. مقابله با یورش دستجات سازمان یافته ی حزب الله و جاقداران و جاقوکنان وابسته به حکومت که این روزها از حمایت آشکار و مستقیم پاسداران سرمایه برخوردارند تنها از طریق ایجاد هسته های مقاومت توده ای امکان پذیر است. زمانیکه عوامل سرکوبگر رژیم بسیار مشکل بمیدان میآیند مبارزین نیز باید مشکل شده و با ایجاد هسته های

مناومت و مقابله با دستگاه سرکوب حکومت مصاف دهند. با همه ی این احوال نباید تصور کرد که بعطت تشدید جو حقان و یورش سرکوبگرانه ی رژیم زمان و امکانات فعالیت علنی و نیمه علنی با لکل به سر آمده و فقط تاکتیهای غیر علنی - از جمله تعرض سازمان یافته - در دستور کار است. به اعتقاد ما چنین نیست. هنوز علیرغم همه ی تلاشها و تشنات رژیم و علیرغم کاهش یافتن امکانات فعالیت علنی، فضای نسبتا وسیعی برای مبارزات علنی و غیرعلنی وجود دارد. بخش اعلامیه، تراکت، شعارنویسی، تظاهرات موضعی و غیره. البته با محدودیتهای بیشتر نه تنها امکان پذیرند بلکه باید در دستور کار قرار گیرند.

تمام سعی رژیم براینست که سازمانهای انقلابی را وادار به مبارزه ی کاملا مخفی - که طبعا با محدودیت های بسیاری نیز همراه است - کند. اما تا واقعا چنین شرایطی پیش نیامده، ما نباید از پیش چنین وضعیتی را بخود تحمیل کنیم. اختناق هنوز بهیچوجه سیستماتیکه و بهادی نگشته است و لذا میتوان با در نظر گرفتن برنامهای حساب شده دست به کار فعالیتهای سیاسی علنی و نیمه علنی شد و آنرا تداوم بخشید. تظاهرات وسیع ۱۰۰ هزار نفری شنبه ی گذشته (۲۰ خرداد) و نمایش قدرت عظیمی که با روحیه ی تعرضی و انقلابی همه ی توده های شرکت کننده صورت گرفت و متعاقبا فرار دستجات حزب - الله و اوباشان رژیم را موجب شد، نشان دهنده ی امکان و لزوم انجام فعالیتها و برنامه های مبارزاتی توده ای در سطح علنی است که باید کماکان هر چند در مقیاسهای کوچکتر ادامه پیدا کند. ما از گذشته درس گرفته ایم.

درسی که به قیمت قبضه شدن رهبری جنبش در دست جریان های غیربرولتری و از جمله جناحی از عقب افتاده ترین نشر خرده بورژوازی و نمایندگان "مکتبی" آن تمام شد. درسی که به قیمت سرکوب کمونیستها و همان انقلابیون راستینی که در سقوط حکومت شاه نقش به سزایی داشتند

بقیه در صفحه ی ۶

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی دگر باید

اسناد مربوط به بنیاد مستضعفان:

۵- دزدیها و چپاول ثروت زحمتکشان

در شماره‌های گذشته اسنادی را ارائه دادیم که گوشه‌هایی از حیف و میلها و حاتم بختی‌ها و دزدیهای آیت‌اللهدیشتی و همدستان او را نشان میداد. همچنین دیده‌ایم که اموال مصادره شده از سردمداران رژیم سابق، چگونه تاراج شده است. بخش عظیم آن با کامیون به مقاصد نامعلوم برده شد و معلوم نیست که چه بسری آنها آمده است. (برای یک نمونه از آن مراجعه شود به سندی که در شماره مجاهد بجاب رسیده) و بخش کوچکی از آن که خود میلیاردها تومان ارزش داشت بطوریکه در قسمت قبلی این سلسله اسناد دیده‌ایم توسط باند بهشتی و عمده‌واکره ولایت فقیه به عده‌ای از سرمایه‌داران با- زار به ۱۲ میلیون تومان فروخته شد. در همان سند دیده‌ایم که نه نوع و جنس و وزن و سایر مشخصات آن "اجناس فروخته شده معلوم بود، نه غالباً خریدار و فروشنده، نحوه و محل فروش. و گفته‌ایم که غالباً ارزیاب و فروشنده و خریدار یک فرد بوده‌اند و یا در بهترین حالت، خریدار هم‌دست ارزیاب و فروشنده بود.

در این شماره، نمونه‌ای دیگر از این چپاولگریها را ارائه میدهیم. سند شماره‌ی قبل مربوط به "اموال و اناشی منزل" بود (و دیدیم که "اموال و اناشی منزل همه چیز، از گاو و گوسفند و بک و شن و ماسه و طلا و نقره و ارز خارجی و تریاک و غیره) را شامل میشد. سند این شماره مربوط است به "فروش طلا و نقره و جواهرات" (در اینجا هم می‌بینیم که علاوه بر "طلا و نقره و جواهرات"، اجناسی نظیر "خودنویس"، "متفرقه"، "ماشین حساب"، "اجناس متفرقه" و "ارز" وجود دارد.) در مورد "طلا و نقره و جواهرات" (همانطوریکه درباره‌ی "اموال و اناشی منزل" دیده‌ایم و یا در مورد فرشها بعداً خواهیم دید)، آنچه طبق سند زیر بفروخته رفته، بخش ناچیزی از مجموعه‌ی طلاها و نقره و جواهرات مصادره شده است. بخش اعظم آن یا سر ضرب و در محاسن یا در بین راه و یا در انبارها دزدیده شده است.

● "ساعت رومی‌زی"، "۱۲ عدد ساعت طلای زنانه و مردانه"، "دو عدد ساعت"، "۴ عدد ساعت رولکس و ساعت طلا"، "۱۷ عدد انواع ساعت"، "ساعت عدد بندی"، "۸۲ عدد ساعت گردنبسته طلا"، "۹ عدد ساعت گردنبندی طلا"، "تعدادی ساعتی دست دوم" بدون ذکر هیچگونه مشخصات به فلان مبلغ فروخته شد.

● "۴۶ قطعه انواع جواهرات"، "جواهرات"، "مروارید"، "طلا و غیره" (؟)، "شس ۸/۸ و نقره و سکه و مروارید"، "فروش طلا" (؟)، "۶۵ قطعه جواهر و ساعت"، "۲۸ قطعه دستبند، گردنبند، سنجاق طلا و برلیان و مقداری سنجاق و انگشتر با سنگهای برلیان و متفرقه" (؟)، "سرو-س جواهر" (؟)، "متفرقه" (؟)، "سکه و طلا"، بدون ذکر وزن، تعداد، عیار، و غیره به فلان مبلغ فروخته شده، آیا آنچه اینطور چکی فروخته شده دهها یا صدها برابر آن ارزش داشته است؟

● "۱۲۷۱۸ مثقال (؟) فی ۹۳ ریال"، "۶۶ مثقال (؟) فی ۹۵ ریال" که جنس آن معلوم نیست و معلوم نیست که آنچه فی ۹۳ یا ۹۵ ریال فروخته شده نقره بود یا طلا، الماس یا برلیان؟

● "ارز به مبلغ ۲۲۳۵۰۰ ریال چه نوع ارزی بوده؟ از کجا بدست آمده، چه مقدار بوده؟ فروشنده کیست؟ خریدار چه کیست؟ آن "ارز"، چند ده یا چند صد برابر مبلغ فوق ارزش داشته است؟ هیچ معلوم نیست.

نکته‌ی دیگر درباره‌ی این سند اینست که فروشنده و کارشناس، محل و نحوه‌ی فروش و ارزیاب، هیچ مشخص نیست. اغلب خریداران نیز معلوم نیستند. در مقابل نام خریدار گاهی مثلاً "حاج حسن" یا "اصفهان" ذکر شده است. در مواردی که نام خریدار معلوم شده، مشاهده میشود که اغلب نام چند خریدار تکرار میشود.

در سند شماره‌ی ۱۳۸۹ مبلغ صدهزار تومان به جواهری مظفریان (همان فردی که چندی پیش در حین خارج کردن ۵۰ میلیون تومان جواهر در فرودگاه مهرآباد بهمراه زنتش توقیف شد و بلافاصله با عزت و احترام آزاد شد) معلوم نیست چه چیزی فروخته شده زیرا در مقابل ردیف "حسن" هیچ چیز حتی مثلاً همان عبارت کلی فلان "قطعه انواع جواهر و متفرقه" نیز ذکر نشده است. خلاصه کنیم، همانطوریکه گفتیم از میلیاردها تومان طلا و نقره و جواهر که راضی بختار رفته و سربره نیست شده است که بگذریم همین بخش ناچیز از طلاها و نقره‌ها و جواهرات هم که بفروش رفته، با توجه به آنچه گذشت آیا ارزش واقعی آنها فقط ۱۳ میلیون تومان بوده؟ یا ۱۳۰ میلیون تومان؟ یا ۱۳۰۰ میلیون تومان؟ دزدان و غارتگر-ان ثروت متعلق به زحمتکشان، با بکار بردن انواع و اقسام حيله‌ها و شگردها، فعلاً بروی آن سربوش گذاشته‌اند. همانطوریکه دزدیها و غارتگریهای رژیم شاه برای همیشه مخفی نماند، دزدیها و غارتگریهای رژیم جمهوری اسلامی نیز مخفی نخواهد ماند.

در این سند در مواردی که وزن و فی مشخص شده است اولاً مشخص نیست که وزن واقعی آن همان مقدار بوده است یا خیر، زیرا که فروشیهای بنیاد عموماً در "محاسن" دوستانه صورت میگرفت. گفته‌ایم و تکرار میکنیم که اگر فروشنده و خریدار و ارزیاب هم فرد واحد نبوده، در بهترین حالت از افراد و همدستان یک باند بوده‌اند. اگر فی در آن زمان به قیمت بازار هم بوده باشد (که قابل بررسی است) طلا و نقره و جواهرات بصورت خام یا ساخته شده و یا عیار آنها میتواند متفاوت باشد مثلاً جز در چند مورد، عیار طلا ذکر نشده است.

از این موارد که بگذریم، همانطوریکه در سند فروش "اموال و اناشی منزل" دیدیم در اینجا نیز برای سربوش گذاشتن بروی اعیان وحشتناک دزدیها و غارتگریها به ذکر عبارات کلی اکتفا شده است بدون اینکه وزن، عیار، نوع و سایر مشخصات ذکر شود. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

شماره مبلغ بریال	نوع و مقدار جنسی	خریدار	ملاحظات
۳۰	۲/۱۸۵/۹۷۰	۴۶ قطعه انواع جواهرات	عضویت مدیر سابق صنف ساعت طلا، جواهر فاکتور ضمیمه نیست
۲۲	۲/۰۰۰/۰۰۰	جواهرات	
۸۹	۱۷۰/۰۰۰	مروارید	
۱۲۲	۶/۰۲۴/۴۶۰	۸۶۹۱/۵۰۰ گرم سکه طلا فی ۶۹۲/۵	مشخص نیست چه تعداد سکه و از چه نوع بوده است
۱۲۳	۷/۰۷۵/۶۸۰	لوح طلا بدون حرف، عیار ۲۰/۵	فروشگاه حاج علی هراتی
		۱۰/۹۹۶ گرم فی ۶۴۳/۵	فروشگاه حاج علی هراتی سرای طالقانی سرای آرامند سابق



	" طلا و غیره "	۹۱/۳۸۰	۱۲۴
حاج کریم کاظمی	۵۳/۲۵۰ گرم طلا فی ۶۰۳	۳۲/۱۰۰/۰۰۰	۱۷۷
	سکه ۲۲ عیار ۲۷۸۲/۵، گرم شمش ۱۱۵	۴/۲۶۹/۴۸۰	۱۷۸
	و نقره و سکه و مروارید		
آریبا	۱۱/۶۶۰ گرم طلا ۱۸ عیار فی ۶۱۰	۷/۱۱۲/۶۰۰	"
حاج کریم کاظمی	۶/۶۴۰ گرم " " " " " ۶۰۳	۵/۴۸۸/۶۸۰	"
	۲/۲۰۰ " " " " " ۶۵۰		
	سکه ۷۴ گرم ۹۰۰ عیار فی ۷۴۰		
هراتسی	۴۷۳/۸۰۰ گرم طلای ۱۸ عیار فی ۶۱۰	۲۸۹/۰۱۸	"
حاج کریم	طلا و سکه ب ۱۹۲۴ گرم طلا ۹۰۰ عیار	۳/۱۲۶/۸۶۰	۲۵۴
	و ۱۹۲۳ گرم طلای ۸۲۰ عیار و ۱۴ سکه		
	که مشخص نیست سکه چه بوده اند		
انقلاب روبروی تهران بالاس ۴ خیابان جمهوری	تعداد ۴۱ عدد ساعت... کار ، اونیورسال	۶۲۰/۰۰۰	۴۲۲
	و غیره		
	۶۲ کیلو نقره	۹۹۰/۰۰۰	"
	فروش طلای فاکتور ۵۳۳	۱۵۰/۰۰۰	۵۰۷
مال بخر	۵۴/۳۲۱ متقال نقره فی ۹۵ ریال	۱۲/۸۷۴/۴۹۰	۵۵۶
	۲۳/۵۲۰ متقال ۷۵		
	۵۴/۱۳۰ متقال نقره فی ۱۱۰ ریال		
سید مهدی شادخواب	۵۶ قطعه جواهر و ساعت (چند فاکتور	۴/۴۲۰/۰۰۰	۶۴۹
عباس گوهر بین	۱۰۸ قطعه با مبلغ بیشتر)		
لاله زار	۸ قلم خودکار ، خودنویس ، ماشین حساب	۱۲۵/۰۰۰	"
؟	دو عدد ساعت	۸۵/۰۰۰	"
جواهری کوروش	۹ عدد ساعت گردن بندی طلا	۱۱۷/۰۰۰	"
جواهری اونیورسال	تعدادی ساعت های دیست دوم	۱۵۰/۰۰۰	"
ذکر نشده	۱۲/۷۱۸ متقال فی ۹۳ ریال	۱/۲۴۶/۱۱۹	۷۴۰
	۶۶۶ ۹۵		
عباس گوهر بین	۲۱ قطعه دستبند ، گردن بند و سنجاق	۱/۸۵۰/۰۰۰	۸۰۶
	طلا و برلیان و مقداری سنجاق و انگشتر		
	با سنگهای برلیان و متفرقه		
واسطه است	سرویس جواهر	۱/۲۰۰/۰۰۰	۹۰۵
	۱۰/۰۶۹ متقال نقره به قیمت های مختلف	۱/۳۳۰/۸۰۰	۹۱۶
	با ضافه پول خرد ، قوطی سیگار ، فندک		
	ارز	۲۲۲/۵۰۰	۶۸۷
	۶۶ کیلو نقره (۴۳۲۲ متقالی فی ۱۱۰)	۱/۵۷۵/۴۲۰	۱۳۲۰
اصفهان!	۸۴/۴۴۱ متقال فی ۱۱۵ ریال	۹/۷۱۰/۷۱۵	"
	۱۹/۵۴۷ متقال فی ۹۵ ریال	۱/۸۵۶/۹۶۵	"
	متفرقه	۵۶/۰۰۰	"
حاج حسن	نقره و اجناس متفرقه	۱/۳۱۸/۵۰۰	"
حجت عزیزی	سکه و طلا	۶۸۴/۹۴۰	"
؟		۴/۵۱۹/۹۵۰	"
		۱۹/۷۲۲/۴۷۰	جمع
	(اختلاف مبلغ طی سند ۱۳۸۹ برگشت شده است)	۳۳/۹۰۱/۲۸۰	(جمع طبق سند)
چواهری مظفریان	۸۲ عدد ساعت گردن بندی طلا	۱/۰۰۰/۰۰۰	۱۳۸۹
چهار راه لاله زار - مرتضی مظفریان	۱۲ عدد ساعت طلای زنانه و مردانه	۱/۰۶۶/۰۰۰	"
	چواهری مظفریان	۴۶۹/۰۰۰	"
	۴ عدد ساعت رولکس و ساعت طلا	۱۱۳/۰۰۰	"
برمکی	۱۷ عدد انواع ساعت	۷۷۸/۰۰۰	"
		۳/۴۲۶/۰۰۰	جمع
ذکر نشده	۴۵۷۰ متقال نقره x ۱۴۰ ریال	۶۳۹/۸۰۰	۱۵۸۰
"	۲۱۳۶ متقال نقره ۱۱۵ ریال	۲۴۵/۶۴۰	"
فروشگاه مظفریان	ساعت رومی	۲۴۰/۰۰۰	"
ذکر نشده	ساعت ۵ عدد بندی	۱۴۰/۰۰۰	"
قسمتی از متن اصلی سند		۱/۲۶۵/۴۴۰	جمع

۵۷۷ متقال نقره x ۱۱۵ ریال ۶۳۹,۸۰۰ ۱۵۸۰
 ۱۱۵ " " " " " ۲۴۵,۶۴۰
 ساعت رومی ۲۴۰,۰۰۰
 ساعت ۵ عدد بندی ۱۴۰,۰۰۰
 ۱۳۳ ۱۸۲۷۸۰

بازگشت "شیطان بزرگ"

باز هم فریادهای " ضد امپریالیستی " ، رهبران جمهوری اسلامی سر به آسمان کشیده است . رهبران حزب جمهوری ، فقط جناح مغلوب بنی صدر را به آمریکائی بودن منتسب می کنند و باز عوامفریبانه شعار (و واقعا شعار و نه عمل) " مرگ بر آمریکا " را سر می دهند . ولی صداقت رژیم جمهوری اسلامی در طرح این شعار را فقط حزب توده و فدائیان (اکثریت) باور دارند . برای درک واقعیت بهتر است مطلب زیر را که ترجمه ای از صفحه ی " بازار بین المللی " مجله ی نیوزویک ۲۲ ژوئن ۱۹۸۱ (۶۰/۴/۱) است ، با هم بخوانیم :

تجارت آمریکا با ایران

۵ ماه پس از آزادی گروهانهای آمریکائی و رفع ممنوعیت تجارت با ایران ، صدور کالاهای آمریکائی به جمهوری اسلامی رو به افزایش تدریجی است . پس از سقوط صادرات از ۲/۷ میلیارد دلار به رقم نا چیز ۲۳ میلیون دلار در سال ۱۹۸۰ ، میزان صادرات آمریکا به ایران طی ماه ژانویه تا آوریل به رقمی معادل ۷۰ میلیون دلار رسیده است . لیکن ، بخش بسیار بزرگتری از کالاهای آمریکائی از طریق واسطه ها بدست خریداران ایرانی میرسد که بعضا مفری برای خود دارای در دسر اعلام جرمی است که در حقیقت خطری برای خریداران ایرانی و همچنین مادر کنندگان آمریکائی محسوب میشود . براساس گزارش وزارت بازرگانی آمریکا ، از زمان آزادی گروهانها ببعد حدود ۷۰۰ سؤال در باره ی چگونگی برقراری مجدد معاملات تجاری با ایران توسط ایمن وزارتخانه دریافت شده است ، که بیشتر آنها در عکس - العمل به تقاضای بازرگانان ایرانی برای خرید وسایل و یا لوازم یدکی آمریکائی بوده است . صدور گندم که بطور غیر رسمی در دوران بحران گروهانها توسط کارگران بنادر آمریکا به ایران متوقف شده بود دوباره آغاز شده است .

مذهب بهتر است یا هروئین

" امور سیاسی در ارتش از هروئین بدتر است ... امور سیاسی ... باطن ارتش را از بین می برد ... نگذارید ساسون که بخواهند در آنجا (ارتش) مسائل سیاسی بگویند ، در آنجا صحبت کنند ، البته باید موعظه بکنند ... نجات را به آنها بیاد بدهند . اینها همداش خوب است ... "

(تا کیده ها از ماست)

خمینی ، خطاب به فرماندهان ارتش - یکشنبه ۲۴ خرداد) به عقیده ی - درست - بنیادگذار " خلافت جماعتداران ، " موعظه " برای " یاد دادن شجاعت " - یعنی تحمیق و تخدیر سربازان و تشویقشان به کشته شدن برای حمایت و حفظ رژیم سرمایه داری اسلامی - بسیار " خوب " ، و حتی از هروئین هم موثرتر است . هنوز هیچ ماده ی مخدردی کشف یا اختراع نشده است که بتواند به این کارایی ، تعدادی این چنین بزرگ از زحمتکشان و محرومان را بر علیه منافع طبقاتی خودشان ، و به نفع استثمارگران بسیج کند و " به راه بیاورد . " البته مسأله ی اصلی هروئین نیست ، بلکه " امور سیاسی " یا ، به عبارت بهتر ، شعور سیاسی است ، و صرف آخرفاشیستهای جمهوری اسلامی این است :

" مرگ بر شعور سیاسی ، زنده باد موعظه ! "

"بنیاد مستضعفان" در غم خارجیان "مستضعف"

به لطف افشاگریهای فراوانی که درباره ی غارت دسترنج زحمتکشان ایران توسط هیات حاکمه ، صورت گرفته ، دیگر بر همگان آشکار شده است که " بنیاد مستضعفان " در واقع بنیاد بازاریان و ملایان و اعوان و انصارشان است و کاری جز بر کردن کیسه ها و جیبهای آنان ندارد . سندی که در اینجا چاپ میکنیم صرفا نشان دهنده ی درجه ی وقاحت این دزدان است . اینها که خودخوانده شان را با خانه های بزرگ شمال تهران ، ویلاهای شمال ایران و اتومبیل های آخرین مدل - دارای بخش صوت و کولر و شیشه رنگی (مجاهد ۱۲۴) - مجهز کرده اند ، و در همان حال آلونکهای زحمتکشان را در خاک سفید و گرم دره با بولدوزر بر سرشان خراب میکنند ، اکنون بفرستگس آن افتاده اند که باقیمانده ی خانه ها و ویلاها را به منبع درآمد دیگری تبدیل کنند .

در همان حالی که خمینی و پادوهایش فریبناز برآورده اند که " در گذشته شما نوکرا جانب بودید و روحانیت شما را آزاد کرد " ، در همان روزهایی که رژیم جایگزین خمینی دهها نفر مبارز را " نوکر شرق و غرب " معرفی می کند ... و در همان حالی که بیساز دو میلیون زحمتکش ایرانی در اثر جنگ ارتجاعی دو رژیم خونخوار ایران و عراق آواره و بی خانمان شده اند ، و بسزای تکمیل " مواهب الهی " زلزله خانه های روستائیان بی چیز کرمان را بر سرشان خراب میکند ... درست در همان حال " بنیاد مستضعفان ... مایل به عقد قرارداد اجاره بسا خارجیان میباشد . "

آیا رژیم خمینی که دارای ناچیز توده های ستمدیده ی ایران را با حیلله های گوناگون - حساب ۱۰۰ ، ۲۲۲ ، ۸۸۸ ... - از جنگشان خارج کرده ، میلیونها نفر را آواره و میلیونها نفر را بیگار کرده ، و به این ترتیب " مقداری نیروی کار در تمام ایران " بدست آورده " مایل به عقد قرارداد فروش برده و به خارجیان ، با داخلیان ، نخواهد بود ؟ اگر فرصت پیدا کند ، مسلما مایل خواهد بود ، زیرا اولاً " هدف دولت این است که اقتصاد ایران را از اتکاء به نفت نجات دهد " و ثانیاً اسلام عزیز هیچ نوع معاملهای را - به جز معاملههای مسکرات - منع نکرده است !

متن اصلی سند



جمهوری اسلامی ایران
وزارت خارجه

آدمه روزگل شترمهات
تاریخ ۱۳۶۰/۲/۲۵
شماره ۱۱۴۴۰۰/۱۳۸۰۶

بسمه تعالی

بسمه تعالی

شترمهات پیکل وزارت خارجه مورخه جمعه جمهوری اسلامی ایران با اطمینان تمام در وقت غروب کلمه نماز پنجگانه ی سیاسی مقدم تهران انشاء و معارضه ی بشنا دستخطها ن تمنا ای ویلوسا عثمان بزرگ در شان از شهردار اختیار داره و ما بل به طعقرا رما ما جا و ما با غا رجا ن جیما ده .
لذا غرا حتمندا دست در صورت شما زده ا جا رده ا ما کن سکونی مستقیماسا *
با رده ا ملک و مستطلات بشنا و مستضعفان واقع در همه ان آفریقا علیا با ن -
الوند پیکل و جناس حاصل نما بند .
موقع را منضم کرده اخترا ما ت مالکله را تجمید بشنا به .



تهران

شمارت

با کفایت ها...

در سخنرانی محبت الاسلام خامنه‌ای در مجلس اسلامی، بحث بر روی عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور، اشاره شد، آنجا که او از نامه‌ای که چند روز پیش از سقوط خرمشهر برای بنی صدر نوشته و نسخه‌هایی از آن را - به گفته‌ی خودش - برای ثبت در تاریخ "به تمام مراجع و دستگاه‌ها و باگانی‌های مملکت سپرده است. در بندی از این نامه که معرکه‌گیر ظهرهای جمعه آن را با لذت و افتخار در مجلس قرائت کرد، به فرماندهی کل قوا توصیه شده بود که یک گردان پیاده موتوریزه این طرف اهواز و یک گردان زرهی در آن سوی مستقر کند (و توضیح می‌دهد که باید گردان پیاده مکانیزه هم این کار عملی است) و به این ترتیب، نه تنها از خرمشهر و آبادان و اهواز دفاع کند بلکه دمار از روزگار دشمن متجاوز در بیاورد. البته به این تقش‌ی جنگی آسید علی روضه خوان توجه نشد و خرمشهر سقوط کرد.

لا بد اگر خود آقای خامنه‌ای نقشه‌ی نبوغ آمیزش را در مجلس فاش نکرده بود، فرماندهان ناتو و فرسو در بدر به دنبال این طرح نظامی ناپلئونی - روملی می‌گشتند که چگونه باید با استقرار یک واحد در این طرف شهر و یک واحد در طرف دیگر آن، از شهر دفاع کرد. چرا که در تاریخ نظامیگری هیچکس تا به حال به فکرش نرسیده بود که برای دفاع از یک شهر لازم است که اطراف آن بساط استقرار نیروهای جنگی و استحکامات حفظ شود.

البته نمونه‌ی کفایت‌گم نظیر حجت الاسلام خامنه‌ای در امور نظامی منحصر به فرد نیست. آیت الله موسوی اردبیلی در چند ماهی که سرپرستی بنیاد مستضعفان (مستضعفین سابق) را به عهده داشت، چنان کفایتی از خود نشان داد که نه تنها به دادستانی کل کشور ترفیع مقام یافت، بلکه بلافاصله پس از خروج ایشان از مدیریت بنیاد، به کفایت مقامات حکومت، بیش از ۸۰۰ پرونده‌ی اختلاس در بنیاد درست شد.

کفایت استاد اعظم حزب جمهوری اسلامی، آیت الله بهشتی، نیازی به شاهد آوردن ندارد و رنگ و بوی دادگستری دستنخست ایشان زبانزد است. کفایت محمد علی رجایی رئیس الوزرا، مردی که در بی توجهی به انگور و پرتقال و تعهد به مکتب راه خلفای راشدین را می‌رود، رفته رفته حتی مخالفانش را هم مجذوب می‌کند.

در این هنگامه، کفایت بارز مجلس اسلامی از همه بیشتر به چشم می‌خورد. نزدیک به دو سست شخصیت اسلام - شناس، پس از یک سال و اندی انگار دست به دعا بست - داشته‌اند که مگر از آسمان وحی برسد و گرنه تکلیف آنها با این خلق منتظر معجزه چه می‌شود؟ حتی این کار هم که چگونه زنگوله را به گردن گربه بیندازند و به رای دهندگان محترم حالی کنند که نه مالکیت حدود دارد و نه زمینهای مالکین بزرگ قابل تقسیم است، خدا البته کفایت می‌خواهد.

اکنون مردان با کفایت در صحنه‌اند. (البته گاهی گفت می‌شود که مردم در صحنه‌اند، اما گویا بدلیل ناآشنائی با تکنولوژی کفار، صحنه با برده عوضی گرفته می‌شود: آن که بر صحنه است، "روحانیت مبارز" است و آن که بر برده است، یعنی در واقع فیلم شده، مردم اند (میزان کفایت آنها به اندازه‌ی کافی روشن شده اما میزان نیرویی که آنها در روزهای آینده برای جسییدن و باقی ماندن براریکه‌ی قدرت نشان خواهند داد قطعی تازه را در این دیکتاتوری خشونت بار خواهد گشود.



هسته‌های مقاومت توده‌ای را سازمان دهیم

تهاجم...

توسط آخوندها و ملایان و شرکاء آنان در حاکمیت و اداره بندگان تمام شد. کمونیست‌ها بهیچوجه نباید ولو یک لحظه از کار میان توده‌های وسیع مردم غافل شوند و از این طریق صحنه را بار دیگر برای نیروهای دیگر خالی نگذارند. تا وسیعترین فعالیت‌های سیاسی ممکن در بین توده‌های زحمتکش انجام نگیرد تا حمایت و پشتیبانی عملی آنان جلب نشود، تا بدیل پرولتری تبلیغ و شناسا - شده و توده‌گیر نشود انقلاب. البته انقلابی برهبری و تحت برنام‌های طبقه‌ی کارگر که فقط انقلاب اجتماعی (سوسیالیستی) میتواند باشد تحقق نخواهد یافت و حداکثر اینکه موج عظیم حرکات و تلاطمات توده‌ای به انقلاب سیاسی دیگری بزعامت دیگر جناح‌های خرده بورژوازی و یا بورژوازی خواهد انتانید و خاطره‌ی ۲۲ بهمن را البته به شکل و گونه‌ی دیگری شدید خواهد کرد. باید روشن کرد که علیرغم همه‌ی مبارزات و فعالیت‌های کمونیست‌ها در گذشته، آنها نه در کل، و نه در جزو هنوز بدیل اجتماعی نیستند. توده‌ها نه برنام‌های آنها را می‌شناسند و نه حاضرند تحت امری ناشناخته فعالیت کنند. آری بدیل پرولتری هنوز در مقیاس توده‌ها ناشناخته و گمنام است.

کمونیست‌ها باید بدیل اجتماعی شوند و این ممکن نیست مگر از طریق شناساندن خود در سطح جامعه. کمونیست‌ها برای اینکه بدیل آنها در مقیاس توده‌های شناسانده شود، باید در همه‌ی فعالیت‌ها حضور سیاسی داشته باشند، باید رژیم و همدستان گذشته و حال آنها را باز هم افشاء کنند باید در مسایل مختلف نظر مشخص خود را ارائه دهند و باید خود را با نیروهای دیگر اپوزیسیون از جمله "لیبرال" ها مشخص و دقیق نمایند. این تنها راه ممکن برای هدایت سیاسی توده‌ها و جلوگیری از سقوط آنان به سراشیب توهّمات تازه و بدیل‌های کاذب است.

به اعتقاد ما، کمونیست‌ها ضمن فعالیت‌های متحد عملی باید به یک حداقل پلانفرم سیاسی مشترک دست یابند پلانفرمی که بیان مضمون و جهت فعالیت‌های سیاسی روز و دارای مرزبندی با سایر جریان‌های اپوزیسیون باشد. بدون برنام‌های سیاسی و کارمندی عملی، توده‌ها از حمایت نخواهند کرد و بدون پشتوانه‌ی توده‌ای، ما هرگز بدیل اجتماعی نخواهیم شد. در شرایط فقدان بدیل اجتماعی چپ، یا اساسا انقلاب صورت نخواهد گرفت و یا انقلاب سیاسی گذشته بنوعی دیگر تکرار خواهد شد. تکراری که با نتایج و پیامدهای آن آشنائی کامل داریم. پس شعار ما این خواهد بود:

پیش بسوی اتحاد عمل نیروهای چپ، پیش بسوی دفع حملات سیمانه‌ی رژیم از طریق سازماندهی مقاومت توده‌ای و دست یازیدن به تعرض انقلابی، پیش بسوی درهم شکستن پیله‌ی محدود خود تبدیل شدن به یک نیروی اجتماعی، پیش بسوی تدارک انقلاب سوسیالیستی.



رفقا!
دورگشیر
و پخش رهائی
بگوشید!

اخبار

دران زندانیان سیاسی را متفرق کنند. در درگیری های چند روز اخیر ده ها نفر به شدت زخمی شده اند. طبق آخرین اخبار، خیابان منتصبی به زندان اوین توسط دروغچیان رژیم مسدود شده و هیچگونه اجازه ملاقات به خانواده زندانیان سیاسی داده نمیشود. امروز ۶ تیرماه نیز روزنامه های قلم به مسردو رادیوی رژیم اعلام کردند که زندان اوین فعلا تعطیل است. و این در حالیست که امروز نیز خانواده های زندانیان تجمع کرده و خواهان ملاقات هستند.

◀ احمدآباد ▶

■ شماره برخی از اتومبیل های کمیته ها، پسا- سداران و سایر ارگان های سرکوب که در سازماندهی حمله به نظامرات منبیه ۳۰ خرداد شرکت داشتند، بشرح زیر است:

محدوده میدان بلوار: پیکان قهوه ای کمربندگ شماره ۱۵۳۳۷ تهران ۲۶ ، پیکان سبز کاموشی شماره ۲۶۹۲۷ تهران ۲۵ ، پیکان رنگ بوز شماره ۱۵۶۱۹ تهران ۲۶ .

محدوده سواره تخت طاووس - مصدق: پیکان سفید شماره ۱۵۳۶۵ تهران ۲۶ ، نیا ت آبی شماره ۱۴۷۴۱ افغان ۱۱ (متعلق به هادی نفاری فاشیست) . همچنین به گزارش "کار" نشریه سازمان چریک های فدائی خلق ایران اتومبیل های زیر در دستگیری مردم شرکت داشتند:

پیکان قرمز شماره ۱۳۳۸۷ تهران ۲۱ ، پژو سفید ۱۶۱۹۲ تهران - م ، پیکان استیشن شماره ۱۳۹۶۷ تهران ۵۱ .

طبق همین گزارش اتومبیل های کمیته عبارت بودند از: بنز سر رمای ۱۳۶۶۵ تهران ۲۶ ، بنز سر رمای شماره ۱۳۶۷۱ تهران ۲۶ ، بنز زرد رنگ شماره ۱۳۶۶۳ تهران ۲۶ .

■ پنج شنبه ۶۰/۴/۳

جلسه ای در باشگاه افسران پادگان ونک برای فرعه کشی زمین بین ۵۰ افسر تشکیل میشود . . . در ابتدای جلسه حاضرین متوجه میشوند که

■ منته گذشته، گروهی با سادار و بقصد ویران کردن آرامگاه دکتر مصدق به احمد آباد میروند، ولی پس از کتک خوردن توسط اهالی منواری میشوند . مردم محل از آن پس بطور نوبتی از آرامگاه مصدق محافظت میکنند .

رژیم جمهوری اسلامی و پاسداران جهل پسا- اینکار خود یکبار دیگر نفرت و دشمنی خود را با مبارزات ضد امپریالیستی مردم ما در گذشته به نمایش گذاشتند . و برآستی که از رژیمی که حتی قبل از به دست گرفتن حکومت به معامله با امپریالیسم آمریکا مشغول بوده، پیش از این انتظاری نمیرود، در جایی که آیت الله خمینی تلویحا از کودتای ۲۸ مرداد دفاع میکند و میگوید من گنتم آن آقا سلی خواهم خورد و خورد [آیا از یاد و نگاه رژیم انتظاری پیش از این میرود؟

◀ تهران ▶

■ بعد از دستگیری و کشتار های وحشیانه روز شنبه، صدها نفر از خانواده های زندانیان سیاسی و شهدا به زندان اوین هجوم میآورند تا موفق به کسب خبری از زندانیان خود شوند. پاسداران که از تجمع مردم به وحشت می افتند سعی میکنند با رگبار هوایی و زمینی و با ضرب و شتم پندران و ما-

دستجات اوپاش، مزدوران رژیم و محلهای تجمع آنان را شناسایی کنید

◀ اوروهیپه ▶

جمعه ۶۰/۲/۵

بیدادگاه جمهوری اسلامی در اینروز ۸ تن از زندگان تهران کرد را در برابر جوخه های اعدام قرار داد و مفعه ننگین دیگری از تاریخچه شوم جمهوری اسلامی را با خون رفتای شهید: مصطفی پورآذر ، کریم بلوری ، سعید سیکائیلی، سعد عباسی ، رحمان شنگه پور ، جعفر سیکاری، مصطفی بگری ، و اسماعیل آقچه مسجدی ، رقم زد .

یادمان گرامی باد

◀ شیراز ▶

در چند روز اخیر پاسداران و ۳ بدست جمهوری اسلامی به خانه های مبارزین حمله ور شد . چندین تن را دستگیر کرده اند . هم چنین تعدادی به " جرم " پخش اعلامیه و فروش نشریات انقلابی دستگیر و روانه ی سیاهچالهای اسلامی شده اند . علیرغم تمام وحشیگریهای عمده اکره های رژیم جمهوری اسلامی خبرهای رسیده حاکیست که مبارزین انقلابی هم چنان در مقابل جو ترور و خفتن اینستادگی کرده و به مبارزه ی خوریش علییه ی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی ادامه میدهند .

رفقا! هواداران!
در تکثیر و پخش
رهائی بگوشید

قربانی (آخوندی که در تلویزیون جلسات با مصباح تدوین دارد) قصد سفرانی برای شان را دارد . در این هنگام پرسنل حاضر در جلسه هو کنان سالن را تظلمه میکنند . تیمار فرمانده پادگان عده ای از سر- بازان را جمع میکند تا قربانی بتواند برای آنها سخنرانی کند . ولی پرسنل معترض هیچ عنوان حاضر نمی شوند به سخنرانی گوش دهند .

◀ بندرانزلی ▶

بدنیال تظاهرات شنبه ۳۰ خرداد ، پاسداران چهل و سرمایه خانه های مبارزینی که از قسمل شناسایی شده بودند ، محوم برده و عسدهای را دستگیر کرده اند .

رژیم جمهوری اسلامی با این اعمال خویستی دقیقاً خاطره خانه گرده های دوران سیاه آزیمهری را در اذهان زنده میکنند و این وظیفه تمامی مردم مبارز ایران است که هر طریقی ممکن در مقابل بل حمله وحشیانه پاسداران به خانه های مبارزین ایستادگی کرده و آنان را یاری رسانند .

◀ بندرعباس ▶

پنج شنبه ۶۰/۲/۲

کفتار انقلابیون در چهارگوشه کشور ادامه دارد . سحرگاه امروز رگبار مسلسلهای جلادان جمهوری اسلامی انقلابی دیگری را به خاک و خون کشید . شهید علی احمدزاده به " جرم " مبارزه علیه امپریالیسم ، به " جرم " مبارزه علیه استبداد و اختناق ، به " جرم " مبارزه برای آزادی ، به " جرم " مبارزه علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به جرعه اعدام سپرده شد . دیسرها خواهد بود روزی که ظلمهای آگاه ایران انتقام خون تمامی شهیدان راه آزادی را بازستانند .

یادمان گرامی باد

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه داری نیست